

## بن بست بر مبنای چند نامه از مرتضی کیوان

م. ف. فرزانه

انتشارات سرشار | پاریس | ۱۹۹۱، ۲۱۹ صفحه

نوشتن درباره مرتضی کیوان دشوار است. شخصیتی که در سال ۱۳۰۰ به دنیا آمد، بر نسلی از شاعران و نویسندگان برخاسته از دهه ۱۳۲۰ اثر جدی نهاد و در ۲۳ مهر ماه ۱۳۳۳ به خاطره‌ها پیوست. مرتضایی که بارها در شعر احمد شاملو رُخ نشان داد و یکی از زیباترین مرثیه‌ها، «با عموهایت»، را احمد شاملو در رثای او سرود، چهره ناشناخته‌ای در تاریخ معاصر ایران است مانند ده‌ها چهره دیگر.

م. ف. فرزانه که پیش از این از صادق هدایت نوشته بود، از مرتضی کیوان می‌نویسد، در: «بن بست بر مبنای چند نامه از مرتضی کیوان». این کتاب در سه بخش تدوین و تنظیم شده است: بن بست، نامه‌هایی از مرتضی کیوان، ضمیمه‌ها.

«بن بست»، تلاش م. ف. فرزانه در بازسازی چهره مرتضی کیوان به خاطره‌ها پیوسته است؛ و بنیان آن بر اساس یادمانده‌هایی از روزگار دوستی این دو تن و حدس و گمان‌های فرزانه درباره زندگی مرتضی کیوان است. از این رو آمیزه‌ای است از آنچه بود و آنچه فرزانه می‌پندارد یا می‌خواهد باشد.

زندگی فردی و خانوادگی مرتضی کیوان از آغاز تا هنگامی که ساکن تهران شد، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. فرزانه نیز موفق به ابهام‌زدایی از این دوره نشده است. بر خلاف این قسمت از «بن بست»، توضیحات فرزانه درباره دوره آشنایی و دوستی او و مرتضی جالب توجه است. مرتضی کیوان شاعر و نویسنده که در عرصه مطبوعات فعال بود، در اواخر دهه ۱۳۲۰ محفل ادبی داشت که فرزانه نیز از شرکت‌کنندگان در آن بود. از

## مطالب بخش ویژه شماره‌های ۱ تا ۱۶ زنده‌رود

- شماره ۱ (ویژه ایماژیسم) مروری بر ایماژیسم \* چند نوشته از تصویرگرایان \* زندگی چند تصویرگرا \* چند نمونه از شعر ایماژیستها
- شماره ۲ و ۳ (ویژه مدرنیسم) نام و سرشت مدرنیسم \* سالشماری مدرنیسم \* جغرافیای مدرنیسم \* همراه با بررسی و معرفی آثار مارگریت دوراس و جویس کارول اوتس
- شماره ۴ و ۵ (حماسه و اسطوره) درباره پیوند اسطوره و زبان \* لوکاچ و حماسه \* همراه با بررسی ادبیات داستانی
- شماره ۶ و ۷ (ویژه سینما) بررسی آثار اورسن ولز - آنجلو پولوس - کریستف کیسلوفسکی و ابراهیم مختاری
- شماره ۸ و ۹ (ویژه شعر) در ستایش شعر سکوت \* بحثی درباره ترجمه شعر \* کلمه در قالب آوا \* جهان شخصی \* والاس استیونس و شعر وجود \* با معرفی بهترین شعرهای شاعران ایرانی در دهه ۶۰
- شماره ۱۰ و ۱۱ (ویژه خاطره‌نویسی) میانی نظری خاطره‌نویسی (۱۰ مقاله) خاطره سخن بگو (۱۴ خاطره) عکس و خاطره (۵ مطلب) کتابشناسی سرگذشتنامه‌های خود نگاشت و خاطرات ایرانی
- شماره ۱۲ و ۱۳ فلسفه ترکیب (فرایند سرایش شعر) \* مکان‌شناسی داستان \* ضرورت داستان کوتاه \* شعر جنوب و ویژگیهایش
- شماره ۱۴ تا ۱۶ (ویژه داستان کوتاه) داستان کوتاه، هنری شخصی و غریبانه \* نوشتن داستان کوتاه \* درباره نوشتن \* چند کلمه درباره مینی‌مالیسم \* داستان، داستان کوتاه \* با معرفی جان آپدایک - رونالد بارتلمی و ریموند کارور

\*\*\*

شماره‌های گذشته زنده‌رود را در تهران از انتشارات نیلوفر (خیابان انقلاب - خیابان دانشگاه) و در اصفهان از کتابفروشی رستاران (خیابان نظر - چهارراه توحید) تهیه نمایید و یا با حواله مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۹۰۶ نزد بانک صادرات شعبه پل فلزی اصفهان (حسام‌الدین نبوی‌نژاد) و ارسال قبض آن به نشانه صندوق پستی زنده‌رود از طریق پست سفارشی دریافت کنید.

که «فریدون رهنما» بر اندیشه یاران و به ویژه مرتضی کیوان نهاد. (بنگرید به صص ۴۴-۵۰) ناگفته نماند که حاصل رفاقت فریدون و مرتضی، دگرگونی زندگی خصوصی مرتضی و ازدواج او با پوران‌دخت سلطانی، دخترخاله فریدون رهنما، نیز بود.

اما از جمله بی راهه‌هایی که فرزانه به عنوان راه به ما نشان می‌دهد و بنیانی جز پندار او ندارد می‌توان به تأثیر وصلت با خانواده سلطانی بر جان مرتضی، کوپل شدن به قصد استفاده از امکانات مالی حزب توده و... اشاره کرد. حال آن‌که اسناد و مدارک موجود بی پایه بودن آن‌ها را اثبات می‌کند.

بخش نامه‌ها، مشتمل بر ۲۷ نامه از مرتضی کیوان به فرزانه است، از ۲۴ تیرماه ۱۳۲۹ تا ۲۵ آبان ۱۳۳۱. با توجه به عنوان کتاب، فرزانه از طریق این نامه‌ها می‌خواسته تا «بن بست» مرتضی کیوان را توضیح دهد. در هر حال چنین نشده و مطالب این نامه‌ها هم نشانی از به بن بست رسیدن مرتضی در خود ندارد. این نامه‌های سرشار از زندگی و تلاش، ناگفته‌های بسیاری از منش و اندیشه مرتضی کیوان، امیدها و آرزوها، خواست‌های فردی و اجتماعی او را بازتاب می‌دهد و خواننده را به تأمل و تفکر درباره مردی که به خاطره‌ها پیوسته است، وامی‌دارد.

در این نامه‌ها مرتضی کیوان به جد و طنز اخبار و آگاهی‌های گوناگون را برای آن دوست سفر کرده می‌نویسد، از آب و هوای تهران تا حال و روز یاران، رخدادهای ادبی و هنری در ایران و اظهار نظر درباره مسائل مختلف ادبی و همچنین تحولات سیاسی و اجتماعی کشور و...؛ علاوه بر این از فرزانه می‌خواهد درباره فلان اثر ادبی و هنری، شاعران و نویسندگان برای او توضیح دهد یا فلان اخبار و اطلاعات، کتاب و مقاله سیاسی و ادبی و... را گردآوری کند و به تهران بفرستد.

بخش «ضمیمه‌ها» شامل ۳ دسته مطلب است. ضمیمه شماره ۱ مطالبی است مربوط به چگونگی به قتل رسیدن واعظ قزوینی از کتاب‌های منتشر شده تاریخی؛ ضمیمه بعدی دو نامه از آقا بزرگ علوی به فرزانه است که ارتباطی با مطالب این کتاب ندارد و ضمیمه شماره ۳ تصویر نامه‌ای از فریدون رهنما و تصاویری یکی از نامه‌ها و کارت پستال و عکس هوشنگ ابتهاج است که مرتضی کیوان برای فرزانه فرستاده است.

محمدحسین خسروپناه



دیگر اعضای آن محفل باید از احمد شاملو، سیاوش کسرایی، هوشنگ ابتهاج، ایرج افشار و... نام برد. «کیوان بیشتر از همه ما از جریان‌های ادبی و مطبوعاتی آن دوره تهران اطلاع داشت. اگر هم شخصاً کسی را از اهل قلم نمی‌شناخت و صفش را شنیده بود. آشنا زیاد و دوست کم داشت. به محض این‌که نوری در جبین یک نفر می‌دید او را به جرگه دوستان می‌آورد و معرفی می‌کرد... دوشنبه شب‌ها که در منزل علی کسمایی جمع می‌شدیم، کیوان حتماً یک نفر آدم جالب را با خودش می‌آورد. یک نفر از آن‌ها که برایمان عزیز شد محمدجعفر محجوب بود.» (صص ۱۹-۲۰) فرزانه از ساز و کار این محفل ادبی که کارگاهی برای نقد و تکمیل آثار یکدیگر بود، سخنی نمی‌گوید اما از نقش و تأثیر مرتضی کیوان یاد می‌کند. از «ذوق و شوق او در کشف یک نوشته و یک شعر و یک ترجمه. همین قدر که مفهومی در کار می‌یافت پَر به پَر نویسنده یا مترجم می‌داد، درست مثل یک روشنفکر اصیل، روشنفکر کشوری که در آن قدر روشنفکران را می‌دانند. کیوان پیوسته در پی کسب دانش بود، دیگران را تشویق و راهنمایی می‌کرد. در بحث و انتقاد منافع خودش را کنار می‌گذاشت به سخن دیگران گوش فرا می‌داد؛ فقط در حد معنویات اظهار عقیده می‌کرد، بیجا فتوا نمی‌داد. باید اعتراف کنم که روشنفکر ایرانی مانند او کمتر دیده‌ایم.» (ص ۲۰) علاوه بر این جمع محدود، مرتضی کیوان در عرصه فرهنگ جامعه ایران نیز تأثیرگذار بود. مثلاً «همو بود که بانی شد تا مجموعه «چه می‌دانم؟» از زبان فرانسه ترجمه شود... به مشاورت و اصرار او بود که انتشارات امیرکبیر چاپ آثار [صادق] هدایت را به وضع آبرومندانه‌ای تعهد کرد.» (ص ۲۱) و...

در ۱۵ تیر ماه ۱۳۲۹ فرزانه برای ادامه تحصیل به پاریس می‌رود. از این زمان به بعد از یاران دور می‌افتد و حلقه پیوند و ارتباطش با آنان نامه‌هایی است که گاه و بی‌گاه رد و بدل می‌شود. شماری از این نامه‌ها از آن مرتضی کیوان است. از این رو چندان که باید در جریان تحول یاران نیست یا آن را با ما در میان نمی‌گذارد. اکثر اعضای آن محفل ادبی به حزب توده ایران پیوسته بودند و در این میان مرتضی کیوان چنان محرم شده بود که به سازمان افسران حزب توده منتقل شد تا در آن سازمان فعالیت کند؛ و به پاداش همین محرم بودن در ۲۳ مهر ماه ۱۳۳۳ در کنار یاران افسرش در برابر جوخه اعدام ایستاد. فرزانه در توضیح این دوره از زندگی مرتضی کیوان به حدس و گمان متوسل می‌شود و از این رو به راه و بی‌راهه می‌رود. از جمله توضیحات راه‌گشای فرزانه، نقش و تأثیری است

دیویدسن معتقد است که در شاهنامه «دو شخصیت اصلی وجود دارد یکی شاعر و دیگری پهلوان. شاعر فردوسی است و پهلوان رستم است.» و سپس نوعی این‌همانی و خویشکاری تاریخی و ملی را برای هر دو قائل می‌شود.

«رسالت اصلی رستم در زندگی محافظت مستمر از پادشاه وقت و در نتیجه محافظت از ملت [کشور] است. در عین حال رستم اغلب با دستگاه سلطنت در تعارض است و گهگاه بیش از آن که یاور پادشاهان باشد مایه دردسر آنان است.»

فردوسی نیز با سرودن شاهنامه‌اش به مفهوم سلطنت اعتبار و اقتدار می‌بخشد اما همو با وارد کردن پهلوان حماسی در این داستان در عین حال شاهنشاهی را به چالش می‌طلبد و خود نیز همین چالش را با سلطان مقتدر وقت دارد.

«شاعر و پهلوان در شاهنامه» پژوهشی است دقیق، بانگ‌رشی تازه و سرشار از دقت نظر و موشکافی‌هایی که شایسته تحقیق در یک اثر سترگ است.

اثر خانم دیویدسن خواننده را به این باور نزدیک‌تر می‌کند که شاهنامه را باید کلمه به کلمه خواند و هر کلمه و سطر و داستان را جستجوگرانه نگریست زیرا در بردارندهٔ واقعیاتی فرهنگی - سنتی - تاریخی و اسطوره‌ای و... است که پرده برداشتن از آنها بسیاری حقایق را در مورد شاهنامه به عنوان یک کلیت فرهنگی - تاریخی و به‌ویژه اسطوره‌ای آشکار یا دست‌کم به عنوان یک سؤال قابل‌پژوهش مطرح می‌کند.

این امر وقتی اهمیت خود را نشان می‌دهد که هم‌زمان با خانم دیویدسن به این باور برسیم که «شاهنامه بیان رسمی و سنتی است از نظر جامعه ایرانی نسبت به خود و آن‌گونه که می‌خواهد دیگران آن را بشناسند و طی اعصار به یاد بیاورند.»

ح. نبوی‌نژاد